

هنر شهری و گفتمان انقلاب: بررسی دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌ها در بازتعریف هویت و زیبایی‌شناسی اسلامی شهر تهران

مرضیه شاهرودی کلور^{*۱}

حجت‌الله رشید کلور^۲

چکیده

هدف: فضای شهری، فراتر از سازه‌های فیزیکی، یک متن فرهنگی و سیاسی زنده است. در این میان، هنر شهری به‌عنوان رسانه‌ای قدرتمند، نقشی فراتر از زیباسازی دارد و به ابزاری برای بیان ایدئولوژی‌ها، آرمان‌ها و شکل‌دهی به هویت جمعی بدل می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات قرن بیستم، تحولات گسترده‌ای را در تمامی ابعاد جامعه رقم زد که هنر شهری نیز از آن مستثنی نبود. هدف این پژوهش، بررسی نقش دیوارنگاره‌ها در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی ایران و تبیین چگونگی تأثیر آن‌ها در شکل‌دهی هویت شهری و بازتعریف زیبایی‌شناسی عمومی با محوریت ارزش‌های اسلامی است.

روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شده و از تحلیل محتوای بصری و تحلیل گفتمان بصری برای بررسی نمونه‌های برجسته دیوارنگاره‌ها در تهران بهره گرفته است.

یافته‌ها: نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد دیوارنگاره‌های پس از انقلاب، مضامین، نمادها و اصول زیبایی‌شناختی تازه‌ای را بازتاب می‌دهند که با تأکید بر مفاهیم اسلامی، هویت بصری جدیدی برای شهر خلق کرده‌اند. این آثار علاوه بر کارکرد هنری، ابزاری مؤثر برای ترویج ایدئولوژی و روایت‌های انقلابی بوده و با ترکیب عناصر هنر، مذهب، ملی‌گرایی و سیاست، به بازنمایی ارزش‌های انقلاب در فضای شهری پرداخته‌اند.

نتیجه‌گیری: دیوارنگاره‌ها در ایران پس از انقلاب اسلامی نه تنها به تقویت گفتمان انقلابی کمک کرده‌اند، بلکه تعریف جدیدی از زیبایی و هویت در فضاهای عمومی ارائه داده‌اند. این امر نشان‌دهنده‌ی تعامل پیچیده میان هنر، ایدئولوژی و محیط شهری است و بر اهمیت هنر شهری در بازتعریف هویت و زیبایی‌شناسی شهر تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: هنر شهری، دیوارنگاره، انقلاب اسلامی، هویت شهری، زیبایی‌شناسی اسلامی، گفتمان انقلابی.

Email: M.shahroudi.k@gmail.com

۱- دکتری معماری، گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه

ملی مهارت، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: hrashid@guilan.ac.ir

۲- دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه

گیلان، رشت، ایران.

مقدمه

فضاهای شهری، به‌عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نقش مهمی در بازنمایی هویت جمعی و ارزش‌های جوامع ایفا کرده‌اند. ساختارهای تصویری و زبانی هر جامعه، بیانگر تفسیرهای خاصی از تجربه ارتباطی و تعاملات اجتماعی هستند و معانی و نحوه تجسم آن‌ها بیش از آنکه به شیوه‌های نشانه‌شناختی وابسته باشند، ریشه در فرهنگ‌های خاص دارد (مروری و همکاران، ۲۰۲۲). آنچه که هنر شهری را برای کاربر عام، قابل درک و تعامل می‌نماید، ظرفیت پیام‌رسانی است که در فرم و عناصر بصری آن تعریف شده است. مطالعه ویژگی‌های کلی در هنرهای شهری نشان می‌دهد که صرف‌نظر از محدودیت‌های محیطی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، اشتراکات مشخصی در نحوه بیان مؤثر و پیامدهای آن در محیط‌های شهری وجود دارد. اشتراکاتی که نتیجه آن، روش‌های خلاقانه، زبان نمادین بصری، آموزش مخاطب و تعالی محیط شهری بوده است (کفشچیان مقدم و عموییان، ۲۰۱۸).

بعد از انقلاب اسلامی، ایران و غرب در زمینه‌های فرهنگ و ایدئولوژی با چالش عمیقی روبه‌رو شدند که خود را در عرصه هنر نیز نشان داد. این موضوع به یک غیریت‌سازی و چالش گفتمانی منجر شد؛ جایی که گفتمان هنری غرب و گفتمان هنر انقلاب اسلامی در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. از آنجایی که این گفتمان‌ها پیوسته بر سر معانی در حال رقابت هستند و هر یک می‌خواهد با طرد معنای دیگری، مفهوم خود را حفظ و تقویت کند، لازم بود که گفتمان انقلاب اسلامی به دنبال گسترش اثربخشی و معنابخشی صحیح به مفاهیم و ارزش‌های خود در جامعه باشد تا به‌طور منطقی آثار این امر در گفتمان معنایی بر افکار عمومی تجلی یابد (افتخاری و فرخی، ۲۰۲۰).

در ایران پس از انقلاب اسلامی، هنر شهری، به‌ویژه دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌ها، به یکی از برجسته‌ترین ابزارهای بازتعریف هویت شهری و ترویج گفتمان انقلابی تبدیل شد. این آثار، که اغلب تحت تأثیر گفتمان انقلابی و ارزش‌های شیعی شکل گرفته‌اند، نه‌تنها به‌عنوان ابزاری برای تبلیغات سیاسی عمل کرده‌اند، بلکه به بازسازی هویت بصری شهرها و ارائه تعریفی جدید از زیبایی‌شناسی اسلامی کمک کرده‌اند (برومبرگر، ۲۰۰۵). دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌های انقلابی، با بهره‌گیری از نمادهای شیعی، آیات قرآنی و سخنان رهبران انقلاب، به بازنمایی آرمان‌های انقلاب پرداخته و به‌عنوان بخشی از یک هنر تبلیغاتی، پیوند عمیقی با فرهنگ عامه و حافظه جمعی ایجاد کرده‌اند. این آثار به‌مرور به بخشی جدایی‌ناپذیر از منظر شهری تهران و دیگر شهرهای ایران تبدیل شده‌اند و نقش مهمی در شکل‌دهی به ادراک شهروندان از هویت و ارزش‌های انقلابی ایفا کرده‌اند.

با این حال، نقش این آثار فراتر از تبلیغات صرف بوده و به‌عنوان رسانه‌ای برای بازتعریف زیبایی‌شناسی عمومی و هویت اسلامی شهر عمل کرده‌اند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌های شهری، به‌عنوان بخشی از گفتمان انقلاب اسلامی، توانسته‌اند هویت شهری را

بازتعریف کرده و زیبایی‌شناسی جدیدی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ارائه دهند. به نظر می‌رسد این آثار، با تلفیق هنر، سیاست و دین، نه تنها به ترویج آرمان‌های انقلاب کمک کرده‌اند، بلکه به‌عنوان بخشی از منظر شهری، به بازسازی ادراک شهروندان از فضای عمومی و هویت جمعی پرداخته‌اند. این مطالعه با تحلیل دقیق این آثار، به دنبال ارائه بینش‌هایی نو در مورد تعامل پیچیده هنر عمومی، هویت و ایدئولوژی در ایران بعد از انقلاب است.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در زمینه هنر شهری و ابعاد اجتماعی-سیاسی آن انجام شده است. این پژوهش‌ها نشان‌دهنده نقش چندوجهی هنر شهری به‌عنوان ابزاری برای هویت‌سازی گروهی، تبلیغات سیاسی و ایجاد گفت‌وگو در فضاهای عمومی هستند. قهرمانی و پاکزاد (۲۰۲۲) بیان کردند که مهم‌ترین ویژگی هنر شهری، توانایی آن در جذب افراد به فضا و ایجاد پایداری اجتماعی است. این هنر، علاوه بر افزایش حضورپذیری و حس مکان، به پویایی محیط نیز کمک می‌کند. گانز^۱ (۲۰۰۴) و گارسیا-دومنه^۲ (۲۰۱۵) هنر شهری را به‌عنوان میدانی نمادین برای رقابت ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های مختلف توصیف می‌کنند. ابرام^۳ (۲۰۲۴) دیوارنگاره‌ها را به‌عنوان ابزاری برای اجماع‌شکنی در فضای شهری نئولیبرال توصیف می‌کند، در حالی که یرزنکیان و گاسپاریان^۴ (۲۰۲۱) گرافیتی را به‌عنوان "شکلی از فن بیان" تحلیل کرده و بر نقش آن در انتقال پیام‌های سیاسی و اجتماعی تأکید دارند. اریس و کریمی‌مشاور (۲۰۱۸) ابرهنجارها را دربرگیرنده سه مفهوم کلیدی زمینه‌گرایی فرهنگی، دموکراسی و تجربه زندگی روزمره معرفی کرده‌اند. این مفاهیم خود به هنجارهایی تبدیل می‌شوند که هم بر نحوه به‌کارگیری هنر در فضا و هم بر چگونگی انطباق فضای شهری با هنر تأثیر می‌گذارند. کافی‌مهدوی و حسونند (۲۰۲۳) هنر شهری را رابطی در خاطر جمعی نسل‌های مختلف و زبان مشترک شهروندان می‌دانند که بستری مناسب برای تداوم فرهنگی جامعه است. پهلوان‌نوده و کفشچیان‌مقدم (۲۰۲۲) اولویت معناداری در هنر شهری را با مکان و مخاطب می‌دانند. این مطالعات نشان می‌دهند که هنر شهری فراتر از جنبه‌های زیبایی‌شناختی، به بازنمایی قدرت و هویت‌سازی جمعی کمک می‌کند.

همچنین، پژوهش‌هایی به جنبه‌های خاصی از هنر انقلاب، مانند پوسترها و نقاشی‌ها، پرداخته‌اند. بلانچ^۵ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بازنمایی فضا در دیوارنگاره‌های جمهوری اسلامی ایران پرداخته و بر تداوم موضوع شهادت و تغییرات زیبایی‌شناختی پس از انقلاب تمرکز کرده است. رولستون^۶ (۲۰۲۰) دیوارنگاره‌های ایرانی

1. Ganz
2. García-Doménech
3. Abram
4. Yerznkian & Gasparyan
5. Blanch
6. Rolston

را به‌عنوان مسیری به بهشت شهدا تحلیل کرده و بر نقش آن‌ها در بازنمایی قهرمانان، وقایع تاریخی و آرمان‌های انقلابی تأکید دارد. کریم‌خان^۱ (۲۰۲۳) به تأثیر انقلاب اسلامی بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی و ایجاد بستری برای بروز هنر انقلابی اشاره می‌کند. این تحقیقات نشان‌دهنده دگرگونی‌های هنری ناشی از انقلاب و نقش هنر عمومی در تثبیت یا نقد ایدئولوژی‌های جدید هستند. مروی و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی چگونگی بازتاب مسائل اجتماعی در آثار گرافیتی ایجاد شده در خیابان‌های ایران طی دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ شمسی پرداختند و دریافتند هنرمندان ایران همچون سایر نقاط جهان به لحاظ جامعه‌شناختی مسائل و چالش‌های اجتماعی فضای زیسته خود را در آثارشان مطرح کرده و به شیوه خود به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند.

در زمینه زیبایی‌شناسی اسلامی، پژوهش‌هایی مانند عباس‌زاده^۲ و همکاران (۲۰۲۲) و کامیار و جعفری سپورزی^۳ (۲۰۱۹) به بررسی ارزش‌های بنیادین زیبایی‌شناسی در معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی پرداخته‌اند. جعفری‌ها و همکاران (۲۰۱۷) زیبایی‌شناسی اسلامی را در منظر شهر مورد توجه قرار داده و با تأکید بر گذرگاه بودن دنیا برای انسان، منظر شهری را عامل معنوی تذکردهنده‌ای دانسته‌اند که باید هر دو قطب عینی و ذهنی زیبایی را به شهروندان ارائه دهد. خورسند و نقره‌کار (۲۰۱۸) ظهور و تجلی صفات و اسماء الهی را معیار قیاس زیبایی در ارزیابی آثار معماری و شهرسازی دانسته‌اند. کاوند (۲۰۲۱) دریافت که تحقق اهداف شریعت در زمینه زیبایی و شهرسازی اسلامی-قرآنی، باید بر اصول و قواعدی استوار باشد که از فحوای آموزه‌های شریعت استنباط می‌گردد. مولایی (۲۰۲۲) در موضوع زیبایی‌شناسی اسلامی، احکام و اخلاق اسلامی را مقدم بر ظاهر می‌داند و بر زیبایی‌های حقیقی تأکید می‌کند. زیبایی‌های حقیقی همان سطوح مختلف طبیعت، مهر مادری، آزادی، ایثار، فداکاری، صداقت و جمال الهی است. این مطالعات، زیبایی‌شناسی اسلامی را به‌عنوان عاملی کلیدی در هویت‌بخشی به محیط شهری معرفی می‌کنند.

با وجود این پژوهش‌ها، خلأهایی در ادبیات موجود مشاهده می‌شود. کمتر مطالعه‌ای به‌طور جامع به پیوند سه‌گانه هنر شهری، گفتمان انقلاب اسلامی و بازتعریف زیبایی‌شناسی اسلامی در بستر شهری پرداخته است. این پژوهش با تمرکز بر این سه مفهوم، به دنبال پر کردن این شکاف است و با تحلیل دیوارنگاره‌ها در ایران، به درک عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری سیمای بصری شهر پس از انقلاب و تأثیر آن بر هویت جمعی کمک می‌کند.

-
1. Karimkhan
 2. Abbaszadeh
 3. Kamyar & Jafari Spourezi

مبانی نظری

چارچوب نظری این پژوهش با تلفیق دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی مانند فوکو^۱، لینچ^۲، لوفور^۳ و بوردیو^۴ و همچنین اصول زیبایی‌شناسی اسلامی، به بررسی تعامل پیچیده هنر، سیاست و فضای شهری می‌پردازد. مبانی نظری این پژوهش بر پایه سه محور اصلی شکل گرفته است: (۱) هنر شهری به‌عنوان رسانه‌ای برای بازنمایی هویت و ایدئولوژی؛ (۲) گفتمان انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بازسازی هویت شهری؛ و (۳) زیبایی‌شناسی اسلامی به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل اصول زیبایی‌شناختی.

هنر شهری و بازنمایی هویت جمعی

اصطلاح هنر شهری در جریان انقلاب‌های فکری اواخر قرن بیستم و نوگرایی پس از مدرنیسم، در حالی مطرح شد که هنر از انحصار طبقه خاص خارج شده و به جریان زندگی روزمره مردم جاری شد. شرط ضروری برای هنر شهری، حضور اثر در فضای شهر است. پژوهشگران ویژگی‌های متعددی برای هنر شهری برمی‌شمرند، از جمله: حضور در فضاهای عمومی، تولید برای عموم شهروندان، تأثیرگذاری بر ارتقای کیفیت بصری شهر، تضمین سرزندگی و حس تعلق شهروندان و ارتقای هویت و حس مکان (مطلبی و احمدی، ۲۰۱۹). به نظر می‌رسد که محتوای پیام ارزشی، خبری و عاطفی هنرهای شهری از طریق مجرای پوسته بیرونی و از طریق عناصر بصری همچون فرم، رنگ و بافت توسط انسان درک می‌گردد (کفشچیان مقدم و عمویان، ۲۰۱۸).

برخلاف گالری یا موزه، هنر شهری با محیط اطراف خود در تعامل است و بر تجربه زیسته شهروندان تأثیر مستقیم می‌گذارد (پوپا^۵، ۲۰۲۱). هنر شهری، به‌ویژه دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌ها، به دلیل قرار گرفتن در فضاهای عمومی، با مخاطبان گسترده‌ای تعامل دارند و به بخشی از تجربه روزمره شهری تبدیل می‌شوند و به‌عنوان رسانه‌ای بصری و عمومی، نقشی محوری در بازنمایی هویت جمعی و انتقال پیام‌های سیاسی و فرهنگی ایفا می‌کند (اریس و کریمی مشاور، ۲۰۱۸؛ مایلز^۶، ۱۹۹۷؛ گارسیا-دومنه، ۲۰۱۵). همچنین کوین لینچ (۱۹۶۰) در کتاب سیمای شهر تأکید می‌کند که عناصر بصری در فضاهای شهری، مانند دیوارنگاره‌ها، به‌عنوان نشانه‌هایی عمل می‌کنند که هویت و خاطره جمعی را در ذهن شهروندان تقویت می‌کنند.

از سوی دیگر، فوکو (۱۹۷۲) در باستان‌شناسی دانش استدلال می‌کند که تصاویر و نشانه‌های بصری در فضاهای عمومی، بخشی از گفتمان‌های قدرت هستند که هویت‌های اجتماعی و سیاسی را شکل می‌دهند. در این چارچوب، دیوارنگاره‌های انقلابی در ایران به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی گفتمان انقلاب اسلامی و

1. Michel Foucault
2. Kevin Lynch
3. Henri Lefebvre
4. Pierre Bourdieu
5. Popa
6. Miles

تقویت مشروعیت سیاسی عمل کرده‌اند. این آثار، با استفاده از نمادهای شیعی و انقلابی، نه تنها هویت جمعی را بازتعریف کرده‌اند، بلکه به‌عنوان رسانه‌ای برای بسیج عمومی و آموزش ایدئولوژیک عمل کرده‌اند (رولستون، ۲۰۲۰).

هانری لوفور (۱۹۹۱) در نظریه تولید فضا استدلال می‌کند که فضاهای شهری از طریق تعاملات اجتماعی و نمادین بازتولید می‌شوند. دیوارنگاره‌های انقلابی، با تولید فضاهایی با معنای انقلابی، به بازسازی هویت شهری کمک کرده‌اند. برای مثال، دیوارنگاره‌های حاوی تصاویر شهدا یا شعارهای ضداستکباری در تهران، فضاهای عمومی را به مکان‌هایی برای یادبود و بازتاب ارزش‌های انقلابی تبدیل کرده‌اند (بلانچ، ۲۰۲۰). پیر بوردیو با نظریه میدان، هابیتوس^۱ و سرمایه، بر این باور است که کنش‌های اجتماعی و فرهنگی افراد در فضاهایی به نام میدان رخ می‌دهد. هابیتوس (عادت‌واره‌ها) شامل مجموعه‌ای از آموخته‌ها و تمایلات درونی شده است که به فرد امکان می‌دهد در میدان‌های مختلف عمل کند. سرمایه‌های گوناگون (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) نیز منابعی هستند که افراد در این میدان‌ها برای کسب جایگاه و قدرت به کار می‌گیرند. در زمینه هنر شهری، این نظریه به تحلیل چگونگی تولید، مصرف و ارزش‌گذاری آثار هنری در فضای شهر، و نقش آنها در بازتولید یا به چالش کشیدن ساختارهای قدرت و تمایزات اجتماعی کمک می‌کند.

گفتمان انقلاب اسلامی و بازسازی هویت شهری

تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی زاده شد. سیر تحول تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی را می‌توان در قالب تحلیل گفتمان ساخت‌گرا، تحلیل گفتمان نقش‌گرا و تحلیل گفتمان انتقادی خلاصه کرد (آفرین و نیکیان، ۲۰۲۳). طبق قرائت فوکو، گفتمان شامل کسی است که سخن می‌گوید، درباره چیزی حرف می‌زند، مفاهیم مشخصی را در قالب گزاره‌ها مطرح می‌کند، و از راهبردی برای تأثیرگذاری بر افکار دیگران استفاده می‌کند.

بنابراین، برای تحلیل صورت‌بندی‌های گفتمانی، چهار مقوله توصیفی وجود دارد:

- وحدت موضوع: درباره چه چیزی صحبت می‌شود.
- شیوه بیان: چگونه و از چه جایگاهی صحبت می‌شود.
- نظام مفاهیم: چه مفاهیمی در گفتمان به کار می‌رود.
- بنیان نظری: چارچوب فکری یا استراتژی پشت گفتمان.

و زمانی یک صورت‌بندی گفتمانی شکل می‌گیرد که بین این چهار عنصر و همبستگی وجود داشته باشد.

گفتمان انقلاب اسلامی زمانی شکل گرفت که سرکوب شدید گفتمان‌های مخالف در دوره پهلوی، به ویژه محدود کردن خواسته‌های سیاسی-اسلامی، در جریان بود (حاضری و محمدی، ۲۰۲۱). با این حال، ساختارهای گفتمانی و شعائر حاشیه‌ای که در قالب نوشتار و سخنرانی بازتولید می‌شدند، به تدریج قدرتمندتر از گفتمان حاکم شدند. سرانجام، گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان یک گفتمان ایدئولوژیک سنتی ظهور کرد. این گفتمان با با تکیه بر ارزش‌های اسلامی (ارزش‌های انسانی و ظلم‌ستیزانه)، مفاهیم مشترکی با خواسته‌های جامعه یافت و به یک انقلاب بزرگ تبدیل شد.

مضامین، مفاهیم و ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی ریشه در مجموعه‌ای از باورهای عمیق دینی و اجتماعی دارد که نقش محوری در شکل‌گیری و تداوم آن ایفا کرده‌اند. این گفتمان با نقد جدی به نظام پهلوی و الگوی توسعه غربی آن، به دنبال احیای هویت اسلامی و ملی ایران بود (شیرودی و زحمتکش، ۲۰۲۵). گفتمان استعمارگر با استفاده از راهبردها و نظریه‌پردازی‌ها، کشورهای دیگر را با صفاتی چون جهان سومی توصیف کرده و با دیگری‌سازی و تولید دشمن (مانند القائده، داعش)، سلطه خود را از طریق زبان و تصویر تثبیت می‌کند. در مقابل، گفتمان انقلاب اسلامی شامل راهبردهایی چون مبارزه طبقاتی، استثمار زدایی، و مبارزه با امپریالیسم و استعمار است. این گفتمان وابستگی به قدرت‌های خارجی را نفی کرد و با گفتمان غرب که شرق را با ویژگی‌های منفی و عقب‌مانده کدگذاری می‌کرد (نظیر منطقه شرارت یا تروریست)، به مقابله پرداخت. گفتمان انقلاب اسلامی با مقاومت در برابر این استیلا، تلاش می‌کند روایت متفاوت و مستقلی از خود و جهان ارائه دهد (آفرین و نیکیان، ۲۰۲۳؛ قربانی، ۲۰۱۸).

از مهم‌ترین مضامین و مفاهیم محوری در این گفتمان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استقلال و خودکفایی: این گفتمان بر نفی وابستگی به قدرت‌های خارجی، و تأکید بر توانمندی‌های داخلی در ابعاد مختلف متمرکز بود (رسالت و همکاران، ۲۰۲۳).
 - عدالت اجتماعی: این مفهوم به معنای توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌ها و مبارزه با فقر و نابرابری تفسیر می‌شد.
 - معنویت و اخلاق‌گرایی: در مقابل رویکرد سکولار و مادی‌گرایانه دوران پهلوی، گفتمان انقلاب بر احیای ارزش‌های معنوی، اخلاقی و دینی در جامعه تأکید داشت.
 - مبارزه با ظلم و استکبار: استکبارستیزی به‌عنوان مقابله با قدرت‌های سلطه‌گر جهانی و حمایت از مستضعفین و ملت‌های تحت ستم، یکی از ستون‌های اصلی این تفکر است (نباتیان، ۲۰۲۱).
 - مردم‌سالاری دینی: گفتمان انقلاب بر نقش مردم در تعیین سرنوشت خود و مشارکت در ساختار سیاسی تأکید داشته و به معنای ترکیب حاکمیت الهی با رأی و اراده مردم است (جعفرزاده و همکاران، ۲۰۲۴).
 - وحدت اسلامی و همبستگی: این گفتمان بر ضرورت وحدت میان مسلمانان و انسجام ملی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تأکید داشت (نباتیان، ۲۰۲۱).
- این مضامین در نهایت به ارزش‌هایی تبدیل شدند که شاکله اصلی این گفتمان را تشکیل می‌دهند:

- آزادی و آزادی: این آزادی نه به معنای رهایی مطلق از قید و بندها، بلکه آزادی در چارچوب شریعت و ارزش‌های اسلامی، و رهایی از استبداد و سلطه خارجی بود (جعفرزاده و همکاران، ۲۰۲۴).
- ایثار و شهادت: فداکاری برای آرمان‌ها و آمادگی برای جانفشانی در راه دین و میهن، به‌عنوان یک ارزش متعالی در این گفتمان ترویج شد و نقش مهمی در بسیج مردمی ایفا کرد (صادقی و اکبری، ۲۰۲۰).
- عدالت‌خواهی: این ارزش نه تنها در حوزه اقتصادی، بلکه در تمام ابعاد زندگی اجتماعی و سیاسی، به معنای مطالبه و اجرای عدالت بود (مرکبی و دهقان نیری، ۲۰۲۳).
- خودباوری ملی: گفتمان انقلاب تلاش کرد تا حس خودباوری را در ملت ایران تقویت کند و نشان دهد که بدون تکیه بر قدرت‌های خارجی می‌توان به پیشرفت و استقلال رسید (شیروودی و زحمتکش، ۲۰۲۵).

برگر^۱ (۱۹۶۹) در کتاب هنر و انقلاب استدلال می‌کند که رژیم‌های انقلابی از هنر عمومی برای تثبیت ایدئولوژی و ایجاد همبستگی اجتماعی استفاده می‌کنند. بنابراین، گفتمان انقلاب اسلامی، به‌عنوان مجموعه‌ای از بیانیه‌ها، نمادها و روایت‌ها (فوکو، ۱۹۷۲؛ وحدت^۲، ۲۰۰۳). از طریق هنر شهری، به‌ویژه دیوارنگاره‌ها، بازتولید شده و مضامینی مانند شهادت، مقاومت و استقلال را در فضاهای عمومی برجسته کرده است. این آثار، به‌عنوان ابزاری برای بزرگداشت شهدا و ترویج آرمان‌های انقلاب عمل کرده‌اند (برومبرگر، ۲۰۰۵). همچنین، با استفاده از نمادهایی مانند شهادت، ایثار و انتظار ظهور، پیوند عمیقی با فرهنگ شیعی و حافظه جمعی ایجاد کرده‌اند. این آثار، به گفته رولستون (۲۰۲۰)، به‌عنوان مسیری به بهشت شهدا عمل کرده و حافظه جمعی را از طریق بازنمایی بصری آرمان‌های انقلاب تقویت کرده‌اند.

زیبایی‌شناسی اسلامی و بازتعریف زیبایی در هنر عمومی

زیبایی‌شناسی اسلامی، به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌های انقلابی، بر ارزش‌های جمعی، معنویت و پیوند با الوهیت تأکید دارد. عباس‌زاده و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود درباره زیبایی‌شناسی ایرانی-اسلامی، اصول کلیدی مانند تقارن، استفاده از رنگ‌های نمادین، خوشنویسی و تصاویر مذهبی را به‌عنوان عناصر بنیادین زیبایی‌شناسی اسلامی معرفی می‌کنند. این اصول، که ریشه در سنت‌های هنری اسلامی دارند، در دیوارنگاره‌های انقلابی ایران با نمادهای سیاسی و انقلابی ترکیب شده‌اند تا هویت بصری جدیدی خلق کنند. برای مثال، استفاده از رنگ‌های سبز و قرمز (نمادهای بهشت و شهادت) و خوشنویسی آیات قرآنی، به تقویت پیوند میان هنر و ارزش‌های اسلامی کمک کرده است.

1. Berger
2. Vahdat

کامیار و جعفری سپورزی (۲۰۱۹) نیز تأکید می‌کنند که زیبایی‌شناسی اسلامی در شهرسازی و هنر عمومی، به‌عنوان عاملی برای هویت‌بخشی به فضاهای شهری عمل می‌کند. این زیبایی‌شناسی، برخلاف هنر مدرن غربی که بر فردیت تمرکز دارد، بر وحدت، معنویت و جماعت تأکید می‌کند.

زیبایی‌شناسی اسلامی، بر خلاف رویکردهای غربی که عمدتاً بر جنبه‌های صرفاً بصری و حسی تمرکز دارند، ریشه‌های عمیقی در جهان‌بینی توحیدی و آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی دارد. این رویکرد، زیبایی را نه تنها در صورت ظاهری، بلکه در معنا، هدف و ارتباط آن با خالق هستی می‌جوید. در فلسفه اسلامی، موجودات از آن رو زیبا هستند که به خالق زیبایی‌ها متصل‌اند و زیبایی به‌عنوان یک مفهوم متعالی و الهی شناخته می‌شود (جعفری‌ها و همکاران، ۲۰۱۷).

معیارهای زیبایی در جهان‌بینی اسلامی فراتر از کمال حسی است و شامل ابعاد معرفتی، اخلاقی و وجودی می‌شود. این معیارها در زندگی جمعی و منظر شهری به شرح زیر تجلی می‌یابند (خالندی و همکاران، ۲۰۱۹؛ خورسند و نقره‌کار، ۲۰۱۸):

- وحدت در کثرت: هنر اسلامی تجلی‌گاه مفهوم توحید و وحدت در کثرت است. این اصل در معماری اسلامی، با ایجاد فضاهایی که حس بی‌انتهای و تکرار را القا می‌کنند، نمایان می‌شود. این تکرار نه تنها از یکنواختی جلوگیری می‌کند بلکه تنوع و ابعاد مختلفی را به بیننده ارائه می‌دهد (خالندی و همکاران، ۲۰۱۹؛ نژدت و صابری‌پور، ۲۰۰۸).

- هماهنگی و تناسب: نظم، تعادل و تناسب از اصول اساسی زیبایی در اسلام هستند که در خلقت الهی نیز مشهود است. این هماهنگی به ایجاد آرامش بصری و روانی در فضای شهری کمک می‌کند (صفاران و همکاران، ۲۰۱۶؛ خورسند و نقره‌کار، ۲۰۱۸).

- رنگ، شفافیت و نور: نور در زیبایی‌شناسی اسلامی نماد حقیقت الهی و تجلی‌گاه زیبایی است. استفاده از رنگ، نور و سایه در طراحی فضاهای شهری و معماری، به ایجاد عمق و معنویت می‌انجامد.
- آب، آئینه و انعکاس: آب با معناهای نمادین فراوان، تصاویر مکرری ایجاد می‌کند و در فضاهای شهری و معماری اسلامی، مانند حوضچه‌ها و فواره‌ها، دنیایی رویایی از بازتاب‌ها را به وجود می‌آورد (نژدت و صابری‌پور، ۲۰۰۸).

- کارکردگرایی و سودمندی: زیبایی در اسلام با سودمندی و کارکردگرایی نیز ارتباط تنگاتنگی دارد. فضای زیبا، فضایی است که نیازهای انسانی را برآورده سازد و به رفاه و آسایش ساکنان کمک کند (خورسند و نقره‌کار، ۲۰۱۸).

- تقویت ارزش‌های انسانی و تمدنی: زیبایی‌شناسی قرآنی بر تقویت ارزش‌های انسانی و تمدنی تأکید دارد. این به معنای طراحی فضاهایی است که به ارتقای اخلاق، همدلی، مشارکت اجتماعی و هویت فرهنگی جامعه کمک می‌کند (کاوند، ۲۰۲۱).

- عناصر طبیعی: طبیعت در اسلام آیات الهی و منبع الهام زیبایی‌شناختی است (خالندی و همکاران، ۲۰۱۹).

• تجدیدپذیری و پویایی: تکرار عناصر در معماری اسلامی به اصل تغییر پیوسته اشاره دارد و این امکان را می‌دهد که یک فضای واحد از زوایای دید متنوعی درک شود (نژدت و صابری‌پور، ۲۰۰۸). به‌طور کلی، زیبایی‌شناسی اسلامی در منظر شهری و زندگی جمعی به دنبال خلق آثار و فضاهایی است که نه تنها از لحاظ بصری جذاب باشند، بلکه عمیقاً با اصول اخلاقی، معنوی و اجتماعی اسلام هماهنگ بوده و به سعادت و کمال انسان در ابعاد فردی و جمعی کمک کنند. در دیوارنگاره‌های انقلابی، این اصول از طریق بازنمایی تصاویر قهرمانانه، نمادهای مذهبی و نقل‌قول‌های رهبران انقلاب بازتاب یافته‌اند.

ارتباط مفهومی

چارچوب نظری این پژوهش بر این فرض استوار است که گفتمان انقلاب از هنر شهری به‌عنوان ابزاری استراتژیک برای بازتولید هویت شهری جدیدی استفاده کرده که با ارزش‌ها و زیبایی‌شناسی اسلامی در هم تنیده است. نظریه‌های فوکو (۱۹۷۲) و لوفور (۱۹۹۱) به تحلیل این آثار به‌عنوان بخشی از گفتمان تولید فضای انقلابی کمک می‌کنند. نظریه لینچ (۱۹۶۰) نقش دیوارنگاره‌ها را به‌عنوان نشانه‌های شهری در تقویت نقشه ذهنی شهر تبیین می‌کند. همچنین، اصول زیبایی‌شناسی اسلامی (عباس‌زاده و همکاران، ۲۰۲۲). چارچوبی برای تحلیل عناصر بصری و نمادین این آثار فراهم می‌کنند. در ابتدا با کدگذاری‌های باز سعی شد مضامین اصلی شناسایی شود. در ادامه، برای بهینه‌سازی کدها و مقوله‌های استخراج‌شده، هر کد و مقوله به‌دقت بازبینی شد. سپس با ادغام موارد تکراری و حذف موارد غیرضروری، ساختاری منسجم‌تر و کارآمدتر ایجاد شد.

جدول ۱: بهینه‌سازی کدها و مقوله‌ها برای تحلیل دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌ها

محور نظری	کد پیشنهادی	توضیح
۱. نظریه‌پردازان		
فوکو (قدرت و گفتمان)	گفتمان قدرت	تحلیل چگونگی استفاده از هنر شهری برای شکل‌دهی و تثبیت گفتمان‌های قدرت و هویت‌های اجتماعی/سیاسی و چگونگی بازنمایی گفتمان‌های رسمی یا غیررسمی.
لینچ (ادراک و سیمای شهر)	عناصر هویت‌ساز شهری	نقش دیوارنگاره‌ها به‌عنوان نشانه‌ها در تقویت هویت و خاطره جمعی و کمک به وضوح سیمای شهر.
لوفور (تولید فضا)	بازآفرینی فضای معنایی	تحلیل چگونگی تبدیل فضاهای شهری به فضاهایی با معنای خاص از طریق هنر شهری و تأثیر آن بر تجربه زیسته.
بورديو (سرمایه و میدان فرهنگی)	سرمایه نمادین	تحلیل هابیتوس، سرمایه‌های فرهنگی و نمادین، و تعاملات میدان هنری در تولید و درک هنر شهری.
۲. هنر شهری، رسانه‌ای برای بازنمایی هویت و ایدئولوژی		

هویت-ایدئولوژی رسمی	بازنمایی هویت‌ها و ایدئولوژی‌های رسمی (مثلاً تصاویر رهبران، شعارها، آموزش ایدئولوژیک، بسیج عمومی).	کارکردها و ابعاد هنر شهری
هویت-ایدئولوژی غیررسمی	بازنمایی هویت‌ها و ایدئولوژی‌های جایگزین (گرافیتی‌های خودجوش).	
ارتقاء کیفیت فضای شهری	تأثیر هنر شهری بر ارتقای کیفیت بصری، سرزندگی، حس تعلق و حافظه جمعی.	
۳. گفتمان انقلاب و بازسازی هویت شهری		
مؤلفه‌های گفتمانی	تحلیل ابعاد گفتمان (وحدت موضوع، شیوه بیان، نظام مفاهیم و بنیان نظری) در هنر شهری انقلاب اسلامی.	مؤلفه‌های گفتمان انقلاب
مضامین و ارزش‌های انقلاب	بازنمایی مضامین و ارزش‌های محوری گفتمان انقلاب اسلامی (استقلال، عدالت، معنویت، مبارزه با ظلم، مردم‌سالاری دینی، وحدت، ایثار، خودباوری).	
۴. زیبایی‌شناسی اسلامی و بازتعریف زیبایی در هنر عمومی		
اصول کمال الهی	تجلی مفهوم توحید و وحدت در کثرت، هماهنگی، تناسب، استفاده از نور و رنگ‌های نمادین، آب و انعکاس و ...، تجدیدپذیری و پویایی در آثار.	اصول زیبایی‌شناسی اسلامی
اصول عملکردی-معنوی	تأکید بر کارکردگرایی، سودمندی، تقویت ارزش‌های انسانی و تمدنی، رعایت حریم و استفاده از عناصر طبیعی در زیبایی‌شناسی.	

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی، به بررسی نقش دیوارنگاره‌ها در بازتعریف هویت شهری و زیبایی‌شناسی اسلامی می‌پردازد. از روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب آثاری استفاده شده که از نظر برجستگی، تنوع مضمونی و مکانی، غنای لازم را دارا باشند. داده‌ها از طریق مستندسازی بصری، مشاهدات میدانی، و اسناد تاریخی گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی، تحلیل گفتمان بصری (فو کو و بارت) و تحلیل زیبایی‌شناختی اسلامی انجام می‌شود تا مضامین، نمادها و فرم‌های بصری آثار در چارچوب گفتمان انقلاب بررسی شوند. برای اطمینان از اعتبار یافته‌ها، از بررسی و کدگذاری چندگانه، بازبینی متخصصان و توصیف دقیق نمونه‌ها استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش نخست به بررسی نمونه‌های موردی پرداخته و سپس به تحلیل بصری و گفتمانی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

نمونه موردی ۱: گرافیتی‌های اولیه انقلاب و دفاع مقدس (شابلونی)

گرافیتی‌هایی دهه اول انقلاب در مناطق مرکزی تهران خلق شدند و شامل تصاویر شابلونی امام(ره)، نمادهای مقاومت و شعارهای انقلابی بودند. این آثار با سادگی و صراحت حمایت مردمی از انقلاب و جنگ را بازتاب می‌دادند و فضاهای روزمره را به بسترهایی برای بیان انقلابی تبدیل و حس حضور همه‌جانبه انقلاب را ایجاد می‌کردند. همچنین، با تأکید بر پیام و سادگی فرم، با پرهیز از تجمل در هنر اسلامی همسو بودند و زیبایی را در کارکرد انقلابی تعریف می‌کردند.



تصویر ۱: برخی از نمونه‌های شناخته شده دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌های اوایل انقلاب

نمونه موردی ۲: دیوارنگاره‌های سفارت سابق آمریکا (لانه جاسوسی)

دیوارنگاره‌هایی که بر دیوارهای سفارت سابق آمریکا نقش بسته‌اند، نماد حماسی از مقاومت، استقلال و نفی استکبار در جریان انقلاب اسلامی هستند؛ تصاویر دراماتیک با رنگ‌های تیره‌ای مانند قرمز و سیاه، گفتمانی از عدالت‌خواهی و نفی استکبار را به تصویر می‌کشند که مستقیماً به مقاومت جامعه اسلامی علیه تسلط بیگانه اشاره دارد. این دیوارها نه تنها به تبدیل شدن سفارت به یک نماد جهانی از مقاومت ایران کمک کرده‌اند، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری هویت شهری تهران داشته‌اند، چراکه حافظه جمعی واقعه تسخیر سفارت را حفظ کرده و آن را به یک علامت فرهنگی و تاریخی در مناظر شهری تبدیل کرده‌اند. از نظر زیبایی‌شناختی، انتخاب تصاویر و نمادهای منعطف و قابل فهم برای عموم جامعه مرز بین هنر و سیاست را به‌گونه‌ای نمادین با اصول جهاد و مقاومت، تدوین می‌کند و هماهنگی واضحی با مبانی هنر اسلامی دارد.



تصویر ۲: برخی از نمونه‌های شناخته شده دیوارنگاره سفارت سابق امریکا

نمونه موردی ۳: دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج)

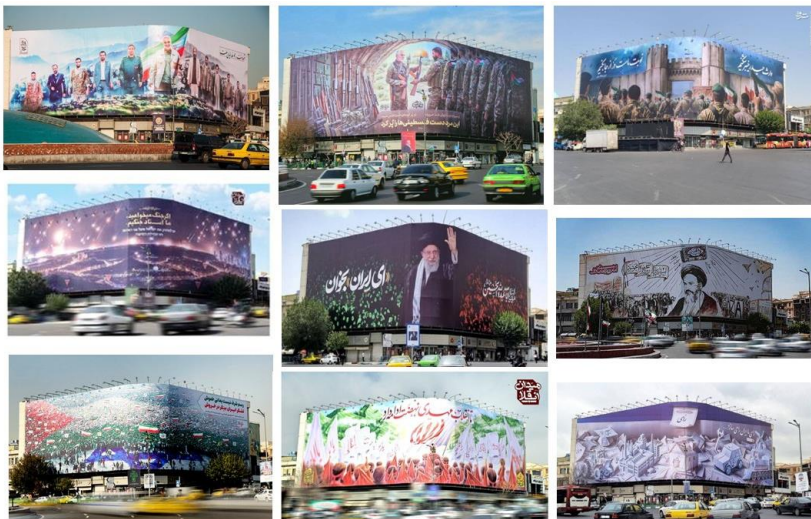
این دیوارنگاره عظیم، با طرح‌های متغیر، در یکی از پرتددترین نقاط تهران قرار دارد و مضامینی مانند وحدت ملی، دفاع مقدس و مسائل جهان اسلام را پوشش می‌دهد. تنوع مضمونی آن، همراه با استفاده از تصاویر فوتوریالیستی و شعارهای خطاطی شده، گفتمان انقلاب را پویا و به‌روز نگه می‌دارد. این دیوارنگاره، میدان ولیعصر را به تابلوی اعلانات فرهنگی و سیاسی تبدیل کرده و هویت شهر را به‌عنوان پایتخت انقلابی تقویت می‌کند. همچنین، تلفیق مدرنیته (فوتوریالیسم) و سنت (نقوش، خطاطی و رنگ‌های نمادین) به خلق آثاری منجر شده که هم هنری و هم معنوی هستند.



تصویر ۳: برخی از نمونه‌های شناخته شده دیوارنگاره میدان ولیعصر

نمونه موردی ۴: دیوارنگاره میدان انقلاب

این دیوارنگاره سالانه با طرح‌هایی مانند حماسه اسلامی، مقاومت و مبارزات تاریخی، جایگاه مرکز حافظه انقلاب را به خوبی ایفا می‌کند. استفاده از تصاویر صحنه‌های تاریخی یا لوگوهای مرتبط با انقلاب، این فضا را به عرصه‌ای احساسی و نمادین تبدیل کرده است. تمرکز بصری بر علم، آموزش و کنش‌های مردمی، گفتمان انقلاب را از یک روایت صرفاً سیاسی- نظامی به روایت فرهنگی و مدنی توسعه داده و آن را به یک پروژه معرفتی و اجتماعی بازتعریف کرده و برای مخاطبان جوان معنادار و به‌روز نگه می‌دارد. دیوارنگاره با تمرکز بر لحظات شاخص انقلاب و ادغام تصاویر معاصر با عناصر تاریخی، گفتمانی را بازتولید می‌کند که هم جذابیت تاریخی و هم ارتباط احساسی با بیننده را تقویت می‌کند. پیوند تصویری با دانشگاه و بازار کتاب در این محدوده، هویت فضایی میدان را تقویت می‌کند. زیبایی‌شناسی این دیوارنگاره ترکیبی است از زبان گرافیکی معاصر در کنار عناصر سنتی مثل خطاطی یا موتیف‌های هندسی اقتباس‌شده. این تلفیق امکان انتقال پیام‌های مدرن سیاسی- فرهنگی را همراه با ریشه‌های هویتی و نمادین فراهم می‌سازد.



تصویر ۴: برخی از نمونه‌های شناخته شده دیوارنگاره میدان انقلاب

تحلیل نمونه‌های موردی نشان می‌دهد که دیوارنگاره‌ها در تهران، ابزارهای قدرتمندی برای بازتولید گفتمان انقلاب بوده‌اند. این آثار، با استفاده از مضامین شهادت، مقاومت و وحدت‌ملی، و نمادهایی مانند پرچم، آیات قرآنی و تصاویر شهدا، هویت شهری را به سمت یک هویت انقلابی-اسلامی بازسازی کرده‌اند. از منظر زیبایی‌شناسی، این آثار با تلفیق اصول اسلامی (مانند توحید، خطاطی و سادگی) و تکنیک‌های

مدرن، تعریف جدیدی از زیبایی ارائه داده‌اند که بر معنویت، وحدت و کارکرد انقلابی تأکید دارد. جدول زیر تحلیل نشانه‌شناسانه این آثار را با رویکرد بارت نمایش می‌دهد:

جدول ۲: تحلیل نشانه‌شناسانه نمونه‌های موردی

مکان / دوره	دال	مدلول	معنای صریح	معنای ضمنی	اسطوره
گرافیتی‌های اوایل انقلاب	چهره امام خمینی، شعارهای انقلابی	رهبری، آزادی‌خواهی	تصویر ساده چهره و کلمات روی دیوار	شور انقلابی، نفی رژیم پهلوی	مردم = نیروی اصلی انقلاب، مشروعیت مردمی
دیوارنگاره‌های دفاع مقدس (دهه ۶۰)	رزمندگان، شهدا، سربند و پرچم	ایشار، شهادت	نقاشی چهره و صحنه شهدا	فداکاری برای وطن و دین	شهادت = ارزش مقدس، جنگ = حماسه دینی
سفارت سابق آمریکا (لانه جاسوسی)	مار آمریکایی، پرچم آمریکا با جمجمه	دشمنی با امپریالیسم	تصویر نمادین پرچم و کاریکاتور	آمریکا = شیطان، استعمار	ایدئولوژی ضد استکبار، انقلاب = مقاومت در برابر غرب
میدان ولیعصر	چهره شهدا، محور مقاومت، پرچم مقاومت	مقاومت، عدالت	تصویر افراد و پرچم‌ها	همبستگی اسلامی- انقلابی	ایران = محور مقاومت، پیوند عاشورا با مبارزه سیاسی
میدان انقلاب	شعار عدالت، تصاویر علم و فرهنگ و شهدا	عدالت اجتماعی، علم	نقش دانشجویان و شخصیت‌ها در تداوم مبانی انقلاب	پیوند علم، جامعه و انقلاب	انقلاب = تداوم عدالت‌خواهی و علم‌دوستی

بنابراین، هنر شهری پس از انقلاب اسلامی نه صرفاً یک بیان تصویری، بلکه عرصه‌ای برای تولید، تثبیت و بازآفرینی گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی بوده است. بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی بارت، دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌ها از طریق دال‌ها و مدلول‌ها، معنای صریح و ضمنی را به سطح اسطوره‌ای ارتقا داده و بدین ترتیب، بخشی از حافظه جمعی و گفتمان انقلاب اسلامی را در فضای شهری نهادینه کرده‌اند. از منظر فوکو، دیوارنگاره‌های انقلابی ابزارهایی برای شکل‌دهی به گفتمان قدرت‌اند؛ آن‌ها نه تنها ارزش‌هایی چون ایشار، عدالت یا مقاومت را بازنمایی می‌کنند، بلکه با تثبیت موقعیت گفتمان انقلاب، میدان دید و ادراک شهروندان را نیز سامان می‌دهند. با ارجاع به لینچ، این آثار به‌عنوان نشانه‌های شهری، در شکل‌گیری سیمای شهر و

تقویت هویت جمعی نقش داشته‌اند. میدان ولیعصر یا میدان انقلاب، با دیوارنگاره‌های خود به نقاط مرجع^۱ تبدیل شده‌اند که شهروندان و حتی حافظه بصری ملی را سازمان‌دهی می‌کنند. از منظر لوفور، هنر شهری را باید تولید دوباره فضا دانست. میدان‌ها و خیابان‌ها به واسطه این دیوارنگاره‌ها از یک فضای فیزیکی به فضای معنایی تبدیل می‌شوند؛ فضایی که معنای مقاومت، ایثار، یا وحدت اسلامی را بازتاب می‌دهد. در چارچوب بوردیو نیز این آثار حامل سرمایه نمادین‌اند؛ حضور چهره شهدا یا نمادهای عاشورا، نه فقط ارزش دینی، بلکه نوعی سرمایه فرهنگی را برای نظام سیاسی و میدان هنری بازتولید می‌کند. این تحلیل نشان می‌دهد که هنر شهری ایران پس از انقلاب، عرصه‌ای چندلایه است که از سطح نشانه‌شناسی بارت (دال-مدلول-اسطوره) تا نظریه‌های کلان اجتماعی- فضایی (فوکو، لینچ، لوفور، بوردیو) قابل بررسی است.

بحث

فضای شهری، فراتر از سازه‌های فیزیکی، به‌عنوان متنی فرهنگی و سیاسی، بستری پویا برای بازتولید معنا فراهم می‌کند. انقلاب اسلامی ایران، با هدف بازسازی هویت جمعی و ترویج ارزش‌های اسلامی، دیوارهای شهرها را به بوم‌هایی برای نمایش گفتمان انقلابی تبدیل کرد. این آثار با تأکید بر ارزش‌های اسلامی، هویت بصری نوینی برای شهرها خلق کرده و تعریف جدیدی از زیبایی‌شناسی عمومی ارائه دادند. این بخش به تحلیل یافته‌ها و نقش آن‌ها را در بازتعریف هویت شهری و زیبایی‌شناسی اسلامی در ایران در سه محور اصلی می‌پردازد: (۱) بازتاب گفتمان انقلاب در دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌ها، (۲) نقش هنر شهری در هویت‌سازی شهری، و (۳) بازتعریف زیبایی‌شناسی اسلامی در هنر عمومی.

بازتاب گفتمان انقلاب در دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌ها

تحلیل کیفی و بصری نمونه‌های انتخاب‌شده نشان‌دهنده بازتاب گسترده و متنوع گفتمان انقلاب در فضای بصری شهر تهران است. دال‌های بصری ساده (چهره امام، رزمندگان، پرچم‌ها، نمادهای عاشورا، شعارها و ...) به‌عنوان نشانه‌های صریح، یک معناپذیری اولیه دارند. اما همان دال‌ها در موقعیت شهری و با یادآور شدن زمینه تاریخی-سیاسی‌شان معانی ضمنی دیگری می‌گیرند: چهره امام صرفاً تصویر یک رهبر نیست؛ دلالت بر مشروعیت، رهبری عقلانی و معنوی انقلاب دارد. تصاویر رزمندگان و سرداران نمادی از فداکاری و ارزش شهادت است. این انتقال معنا همان تبدیل نشانه ساده به لایه‌های ایدئولوژیک است که بارت اسطوره می‌نامد. بارت نشان می‌دهد که اسطوره کاری می‌کند که یک مفهوم تاریخی و ساختاری- مثل جمهوریت مردمی یا مقدس بودن شهادت - به‌عنوان امری طبیعی و بدیهی عرضه شود. شعارهای مرتبط با مفاهیم استقلال و آزادی و چهره امام در گرافیتی‌های دیواری، نخست به‌عنوان پیام سیاسی صریح ظاهر

می‌شوند، ولی با تکرار بصری در فضاهاى عمومى تبدیل به اسطوره می‌شوند؛ یعنی انقلاب به‌عنوان اقتدار مردمی و مشروعیت سیاسی از مردم بازنموده و طبیعی پنداشته می‌شود.

دیوارنگاره‌های رسمی، مانند نمونه‌های واقع در میدان انقلاب، میدان ولیعصر و سفارت سابق آمریکا، به‌عنوان رسانه‌های اصلی بازتولید گفتمان انقلاب عمل کرده‌اند. دیوارنگاره‌های سفارت سابق آمریکا با تصاویری مانند مجسمه آزادی به شکل اسکلت یا پرچم‌های آمریکا و اسرائیل در حال تخریب، مضمون استکبارستیزی را برجسته می‌کنند. شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» با خطاطی‌های برجسته، پیام‌های سیاسی را به‌صورت مستقیم و تأثیرگذار منتقل می‌کنند. رنگ‌های تیره و تند (قرمز، سیاه، خاکستری) و ترکیب‌بندی‌های دراماتیک در این آثار، حس تقابل و مقاومت را القا می‌کنند.

دیوارنگاره میدان ولیعصر، با طرح‌های متغیر متناسب با مناسبت‌های ملی و مذهبی طیف گسترده‌تری از مضامین را پوشش می‌دهد. این آثار از تصاویر فوتوریالیستی شهدا، نمادهای ملی مانند پرچم ایران و نمادهای مذهبی، و شعارهایی با مضامین ملی-مذهبی استفاده می‌کنند. تحلیل گفتمان بصری نشان می‌دهد که این دیوارنگاره‌ها با استفاده از رنگ‌های پرچم ایران و رنگ‌های زنده (سبز، قرمز، آبی، طلایی) و ترکیب‌بندی‌های پویا، حس وحدت ملی و معنویت را تقویت می‌کنند. برای مثال، تصاویر نمادین عاشورا (مانند علم و خیمه) و رنگ‌های حزن‌آلود (قرمز تیره و مشکی) ارتباط عمیق گفتمان انقلاب با فرهنگ شیعی را نشان می‌دهند.

نقش هنر شهری در هویت‌سازی شهری پس از انقلاب

هنر شهری انقلاب، به‌ویژه دیوارنگاره‌ها، نقش محوری در بازسازی هویت شهری تهران ایفا کرده است. این آثار، با تبدیل فضاهاى عمومى به بوم‌های بصری برای بازنمایی آرمان‌های انقلاب، هویت شهر را به هویتی انقلابی-اسلامی تغییر داده‌اند.

تغییر سیمای شهری

دیوارنگاره‌های رسمی، فضاهاى شهری را به مکان‌هایی با معنای انقلابی تبدیل کرده‌اند. برای مثال، دیوارهای سفارت سابق آمریکا، که پیش از انقلاب صرفاً دیوارهای یک ساختمان دیپلماتیک بودند، پس از سال ۱۳۵۸ به نمادی جهانی از مقاومت و استکبارستیزی تبدیل شدند. این دیوارنگاره‌ها، با تصاویر دراماتیک و شعارهای سیاسی، به نقطه عطفی در هویت بصری تهران بدل شده‌اند و هر ساله در مناسبت‌هایی مانند ۱۳ آبان، به کانون تجمعات انقلابی تبدیل می‌شوند.

دیوارنگاره میدان ولیعصر، با تغییر دوره‌ای طرح‌ها، پویایی خاصی به فضای شهری بخشیده است. این آثار، که در یکی از شلوغ‌ترین نقاط تهران قرار دارند، به‌عنوان تابلوی اعلانات فرهنگی و سیاسی عمل می‌کنند و با نمایش مضامین متنوع (از دفاع مقدس تا وحدت ملی)، هویت شهر را به‌صورت مداوم بازتولید می‌کنند. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که شهروندان، به‌ویژه در مناسبت‌های ملی و مذهبی، با این

دیوارنگاره‌ها تعامل عاطفی و بصری (مانند عکس برداری یا تأمل) برقرار می‌کنند، که نشان‌دهنده تأثیر آن‌ها بر ادراک شهری است.

بازسازی حافظه جمعی

دیوارنگاره‌ها به‌عنوان مکان‌های یادبود عمل کرده و حافظه جمعی را حول رویدادهای کلیدی انقلاب و مقاومت اسلامی بازسازی و مکان‌ها را به مکان‌های خاطره‌ساز تبدیل می‌کنند. برای مثال، دیوارنگاره‌های حاوی تصاویر شهدا، یا مضامین عاشورا و شهادت، رویدادهای تاریخی را در ذهن شهروندان زنده نگه می‌دارند. این آثار، با استفاده از نمادهای شیعی، نسل‌های جدید را با مفاهیم ایثار و مقاومت آشنا می‌کنند. تحلیل نشانه‌شناختی نشان می‌دهد که این نمادها، در سطح ضمنی، حس غرور و تعلق به آرمان‌های انقلاب را تقویت می‌کنند. بنابراین، عبور از کنار چنین تصویری یعنی عبور از روایت رسمی تاریخ جمعی.

گرافیتی‌های اولیه انقلاب نیز، اگرچه موقتی بودند، در سال‌های اولیه به ایجاد حس حضور همه‌جانبه انقلاب در شهر کمک کردند. این آثار، که اغلب در مناطق مرکزی و نزدیک دانشگاه‌ها خلق می‌شدند، فضاهای روزمره را به بستری برای بیان حمایت مردمی تبدیل کردند. اسناد آرشیوی نشان می‌دهند که این گرافیتی‌ها، با سادگی و صراحت خود، در شکل‌گیری حافظه جمعی از دوران پرشور انقلاب و جنگ نقش داشتند.

تقویت هویت جمعی

مواجهه مستمر شهروندان با دیوارنگاره‌های انقلابی، حس تعلق خاطر و همبستگی را در جامعه تقویت می‌کند. این آثار، با بازنمایی نمادهای مشترک مانند پرچم، تصاویر شهدا و آیات قرآنی، به شهروندان امکان می‌دهند خود را بخشی از یک روایت کلان انقلابی و اسلامی ببینند. برای مثال، دیوارنگاره‌های میدان ولیعصر، با نمایش مضامین وحدت ملی و مناسبت‌های مذهبی، حس غرور مشترک را در میان شهروندان وفادار به گفتمان انقلاب ایجاد می‌کنند.

این نشانه‌ها، با تبدیل شدن به اسطوره، سه کارکرد مهم در ساخت هویت جمعی دارند:

- تولید وحدت و همبستگی: با ارائه یک متن مشترک بصری، یک مرجع هویتی تثبیت می‌شود.
- پایدارسازی حافظه: تصاویر و نمادها حافظه جمعی را بازتولید و از انتقال روایت‌های رسمی به نسل‌های بعدی مراقبت می‌کنند.
- مشروعیت‌بخشی به نظم حاکم: نسبت دادن ارزش‌های اخلاقی و دینی به پروژه‌های سیاسی (جنگ، مقاومت، مبارزه با امپریالیسم) کمک می‌کند تا این سیاست‌ها به‌عنوان وظیفه‌ای اخلاقی و دینی ظاهر شوند.

بازتعریف زیبایی‌شناسی اسلامی در هنر عمومی

زیبایی‌شناسی اسلامی، هر چند متکثر، عناصر مشترکی را مانند نمادگرایی، تأکید بر آیین، و بهره‌گیری از رنگ و خط به‌عنوان حاملان معنا پذیرفته است. عناصر مذهبی و هنجارهای بصری (پرسوناژهای شهیدگونه، ترکیب‌بندی‌های نمادین) به تولید یک فضای مقدس شهری کمک می‌کنند. این ترکیب زیبایی‌شناسانه، به‌گونه‌ای عمل می‌کند که سوگ جمعی و فداکاری فردی و جمعی را در متن شهر به یک ارزش فراتر تبدیل کند. بنابراین، هنر انقلاب اسلامی به بازتعریف مفهوم زیبایی‌شناسی در هنر عمومی منجر شد که ریشه در ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلابی دارد. این بازتعریف، نه تنها بر محتوای آثار، بلکه بر فرم، سبک و تکنیک‌های بصری آن‌ها نیز تأثیر گذاشته است.

تحلیل زیبایی‌شناختی نمونه‌های موردی نشان می‌دهد که اصول اسلامی مانند توحید، پرهیز از شمایل‌سازی صرف، اهمیت خوشنویسی، نقوش هندسی و رنگ‌های نمادین در دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌ها به کار رفته‌اند:

- توحید و پرهیز از شمایل‌سازی صرف: در دیوارنگاره‌هایی با تصاویر شهدا و شخصیت‌های عاشورایی با نورپردازی و حذف جزئیات غیرضروری، بعد معنوی و قدسی را منتقل می‌کنند. این رویکرد، بر معانی باطنی تأکید دارد.

- خطاطی: در دیوارنگاره‌های رسمی به‌عنوان عنصری کلیدی به کار رفته است. برای مثال، آیات قرآنی و نقل‌قول‌های رهبران انقلاب، اشعاری با مضامین ملی و مذهبی با خطوط هنرمندانه نوشته شده‌اند که تقدس کلام و زیبایی بصری را ترکیب می‌کنند.

- سادگی و عمق معنوی: بسیاری از آثار، از پیچیدگی‌های فرمی پرهیز کرده و بر سادگی و انتقال مستقیم پیام تمرکز دارند. این سادگی، همسو با اصل پرهیز از تجمل‌گرایی در زیبایی‌شناسی اسلامی، به تقویت تأثیر معنوی آثار کمک می‌کند.

- رنگ‌بندی و نمادگرایی: رنگ‌های سبز (نماد اهل بیت و رستگاری)، قرمز (شهادت) و طلایی (تجلی الهی) در دیوارنگاره‌ها غالب هستند.

گرافیتی‌های اولیه، به دلیل محدودیت‌های فنی، کمتر از پیچیدگی‌های زیبایی‌شناختی برخوردار بودند، اما با استفاده از فرم‌های ساده و رنگ‌های صریح (سیاه، سفید، قرمز)، زیبایی را در قدرت پیام و کارکرد انقلابی تعریف می‌کردند. این رویکرد، که ریشه در زیبایی‌شناسی کارکردی^۱ دارد، با اصول اسلامی مانند تقوا و دوری از تجمل همخوانی دارد.

نتیجه‌گیری

هنر شهری انقلاب ابزاری استراتژیک برای تولید معنا و ساخت هویت جمعی است. از منظر بارت، تصاویر شهری به اسطوره‌هایی تبدیل شده‌اند که مفاهیم سیاسی را طبیعی و بدیهی می‌کنند؛ از منظر زیبایی‌شناسی اسلامی، این تصاویر با تزریق آیینی و نمادین، عواطف جمعی را شکل می‌دهند. نتیجه آن است که شهر، بیش از آنکه تنها یک متن فیزیکی باشد، صحنه‌ای برای بازتولید پیوسته روایت‌های هویتی و سیاسی است؛ جایی که دیوارها، میدان‌ها و تابلوها به آموزگاران شفاهی تبدیل می‌شوند و معنا را از طریق حضور دائم و آیین‌های جمعی برای شهروندان تکرار و تثبیت می‌کنند. هنر شهری، با قرار گرفتن در فضاهای عمومی و دسترسی مستقیم به مردم، به‌عنوان ابزاری قدرتمند در جهت‌دهی به افکار عمومی و شکل‌دهی هویت‌های جمعی عمل کرده است. در بستر انقلاب، این نقش دوچندان برجسته می‌شود و نه تنها در جهت تبلیغ و تثبیت گفتمان انقلاب گام برمی‌دارد، بلکه به طور فعالی در فرایند بازسازی حافظه جمعی و تقویت هویت انقلابی ایفای نقش می‌کند. با استفاده از نمادها، تصاویر، و شعارهای قدرتمند، و تلفیق آن‌ها با زیبایی‌شناسی اسلامی، هنر شهری توانسته خاطرات کلیدی انقلاب را زنده نگه دارد، پیوندهای تاریخی و مذهبی را تقویت کند، و «ما» انقلابی را در برابر «آن‌ها» تعریف نماید. این آثار، صرفاً ابزاری برای تبلیغ نبودند، بلکه مشارکت‌کنندگانی فعال در شکل‌دهی به جهان‌بینی، ارزش‌ها، و احساسات تعلق جمعی شهروندان بودند. هنر شهری، به مثابه یک زبان بصری قدرتمند، توانست گفتمان انقلاب را در جسم شهر جاری سازد و به شکلی ماندگار، هویت جمعی انقلابی را در تار و پود زندگی روزمره تنیده و تثبیت کند. این یافته‌ها با نظریه‌های فوکو (گفتمان قدرت)، لوفور (تولید فضا) و لینچ (نقشه ذهنی شهر) همخوانی دارند و نشان می‌دهند که هنر شهری، با تبدیل فضاها به بوم‌های انقلابی، هویت و ادراک شهروندان را شکل می‌دهد.

یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی این پژوهش، بررسی زیبایی‌شناسی اسلامی در دیوارنگاره‌ها و گرافیتی‌هاست. برخلاف هنر مدرن غربی، که بر فردیت و خودبنیادی تأکید دارد، انقلاب اسلامی، زیبایی‌شناسی هنر عمومی را با تأکید بر اصول اسلامی مانند توحید، سادگی و هنرهای اسلامی بازتعریف کرد. دیوارنگاره‌های میدان ولیعصر و میدان انقلاب، با خطاطی نستعلیق، رنگ‌های نمادین و پرهیز از شمایل‌سازی صرف، زیبایی را در عمق معنوی و کارکرد انقلابی تعریف کرده‌اند. گرافیتی‌های اولیه، با زیبایی‌شناسی عملی، این اصول را در سادگی و با تأکید بر قدرت پیام به‌کار می‌بردند. تلفیق خلاقانه فرم‌های مدرن (فوتوریالیسم) و عناصر سنتی (نقوش اسلیمی)، الگویی بومی خلق کرده که بر معنویت و جماعت (امت-ملت) تأکید دارد.

این پژوهش بینش‌های جدیدی در مورد تعامل پیچیده هنر، سیاست و فضای شهری ارائه می‌دهد. از منظر نظری، هنر شهری می‌تواند به‌عنوان یک رسانه فعال برای بازتولید گفتمان‌های ایدئولوژیک و بازسازی هویت جمعی عمل کند. این دیدگاه، درک ما از نقش هنر در شکل‌دهی به فرهنگ بصری و ادراک شهروندان را عمیق‌تر می‌سازد. از منظر عملی، یافته‌ها برای سیاست‌گذاران فرهنگی و مدیران شهری پیامدهای مهمی دارند. همچنین، یافته‌ها همچنین نشان‌دهنده اهمیت مکان‌های یادبود بصری در حفظ حافظه جمعی و

آموزش نسل‌های جدید هستند. این آثار، با تبدیل فضاهای روزمره به مکان‌هایی با معنای عمیق، به شهروندان کمک می‌کنند تا با تاریخ و آرمان‌های جامعه ارتباط برقرار کنند. با این حال، نحوه دریافت این آثار توسط گروه‌های مختلف اجتماعی، از جمله جوانان، زنان و اقشار مختلف، همچنان موضوعی است که نیاز به بررسی دقیق‌تر دارد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش اتکا به اسناد آرشیوی برای گرافیتی‌های ازبین‌رفته و تمرکز بر تهران است که تعمیم نتایج به سایر شهرها را دشوار می‌کند. همچنین، تحلیل کیفی متکی بر تفسیر پژوهشگر بوده و ادراک شهروندان از طریق مصاحبه بررسی نشده است. برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود: (۱) مطالعه تطبیقی در شهرهای دیگر ایران مانند مشهد و شیراز، (۲) پیمایش و مصاحبه با شهروندان برای سنجش تأثیر آثار بر حس هویت جمعی، (۳) بررسی تحول مضامین دیوارنگاره‌ها در طول زمان، (۴) مقایسه با هنر شهری در انقلاب‌های دیگر مانند کوبا یا کشورهای عربی، و (۵) تحلیل نقش هنرمندان در تعادل بین خلاقیت و تعهد ایدئولوژیک مورد توجه باشد.

برای تقویت نقش هنر شهری در تداوم و انتقال گفتمان انقلاب به نسل‌های آینده، راهبردهای زیر پیشنهاد می‌شود: (۱) تنوع‌بخشی به مضامین و ایجاد فضا برای گرافیتی‌های مردمی و خودجوش، (۲) حمایت از هنرمندان جوان با آموزش و منابع مالی برای تلفیق ارزش‌های اسلامی با نوآوری، (۳) ایجاد گالری‌های خیابانی پویا برای جذب گردشگران و پویایی شهری، (۴) تعامل با شهروندان از طریق جشنواره‌ها و کارگاه‌های مشارکتی، و (۵) مستندسازی دیجیتال آثار برای حفظ میراث بصری و دسترسی پژوهشگران. این راهکارها می‌توانند هنر شهری را به‌عنوان رسانه‌ای پویا و فراگیر در خدمت هویت‌سازی و زیبایی‌شناسی اسلامی تقویت کنند.

References

- Abbaszadeh, M; Mohammadi Moradi, A; Esmaeilzadeh Anganeh, V; Soltanahmadi, E. (2022). "Study of fundamental aesthetics values in creating Iranian-Islamic architecture and urbanism", *Journal of Research in Islamic Architecture*, Vol. 10, No. 34: 137–152. <https://doi.org/10.52547/jria.10.1.1>
- Abram, S. (2024). "Graffiti, Street Art and Murals against the Neoliberal City: Wall-Written Dissensus", *SAUC-Journal*, Vol. 10, No. 2: 54–71. <https://doi.org/10.25765/sauc.v10i1.919>
- Afarin, Farideh; Nikian, Sajedah (2023). "Critical Discourse Analysis of the National Emblems of the Qajar Period and the Islamic Republic of Iran Based on Van Dijk's Views", *Journal of Culture-Communication Studies*, Vol. 24, No. 62: 173-204. <https://doi.org/10.22083/jccs.2023.331146.3558> (In Persian)
- Berger, J. (1969). *Art and revolution*. London: Penguin Books.

- Blanch, S. (2020). “Murals as a Play on Space in the Islamic Republic of Iran”, index journal issue, No. 2: 213-223. <https://doi.org/10.38030/INDEX-JOURNAL.2020.2.10>
- Bromberger, C. (2005). “The martyr’s way to paradise: Shiite mural art in the urban context”, *Ethnologia Europaea*, Vol. 33, No. 2: 87–98. <https://doi.org/10.16995/ee.952>
- Eftekhari, Esmaeel; Farrokhi, Hussein (2020). “Artistic Discourses in Iran after the Islamic Revolution (With Emphasis on the Cinema)”, *Bi-Quarterly Journal of Cultural Guardianship of the Islamic*, Vol. 4, No. 10: 147-179. (In Persian)
- Eris, Bahare; Karimi Moshaver, Mehrdad (2018). “A Conceptual Model of Semantic Interaction between Art and Urban Space”, *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, Vol. 15, No. 66: 5-16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2018.76897> (In Persian)
- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge*. New York: Pantheon Books.
- Ganz, N. (2004). *Graffiti world: Street art from five continents*. New York: Thames & Hudson.
- García-Doménech, S. (2015). “Estética e interacción social en la identidad del espacio urbano”, *Arte y Ciudad: Revista de Investigación*, No. 7: 195–212. <https://doi.org/10.22530/AYC.2015.N7.252>
- Ghahremani, Mahdi; Pakzad, Shadi (2022). “Study the role of Mortal and Immortal Urban Arts in the Revival and sustainability of Urban Lost Spaces”, *Art of Green Management*, Vol. 1, No. 1: 45-59. <https://doi.org/10.30480/agm.2020.801> (In Persian)
- Hazeri, Alimohammad; Mohammadi, Samira (2021). “Describing Religious Intellectualism Discourse of Dr. Shariati and Its Comparison with Discourse of Islamic Revolution”, *Journal of Historical Sociology*, Vol. 12, No. 1: 43-73. (In Persian)
- Jafariha, Reza; Ansari, Mojtaba; Bemanian, Mohammadreza (2017). “Islamic Aesthetics and its Instructions in Urban Landscape”, *Journal of Architectural Thought*, Vol. 1, No. 2: 15-29. (In Persian)
- Jafarzadeh, Mojtaba; Hodayat, Homayun, Mohammadhadi; Motahri Nejad, Seyed Majid; Godarzi, Gholamreza (2024). “The model of university social responsibility based on the discourse of the Islamic Revolution”, *Iranian Journal of Culture in The Islamic University*, Vol. 14, No. 3: 3-30. <https://doi.org/10.22034/ciu.2024.52.3> (In Persian)
- Kafi Mahdavi, Maryam; Hasanvand, Mohammadkazem (2023). “Urban art as a factor in satisfying the citizen and growing the cultural-artistic economics”. (e168738), *Interdisciplinary Studies in Visual Arts*, Vol. 1, No. 2: 45-52. <https://doi.org/10.22034/jivsa.2023.367631.1030> (In Persian)
- Kafshchian Moghadam, Asghar; Amouian, Forugh (2018). “The Impact of Urban Visual Arts on the Viewers (The Case Study of the Anniversary of Baharestan Urban Arts, Tehran, 2016)”, *Paykareh*, Vol. 7, No. 13: 51-72. <https://doi.org/10.22055/pyk.2018.14469> (In Persian)
- Kamyar, M; Jafari Spouzezi, Z. (2019). “Representing Iranian-Islamic Identity in Iranian Contemporary Cities Structure”, *Journal of Contemporary Urban Affairs*, Vol. 3, No. 2: 55-62. <https://doi.org/10.25034/IJCUA.2018.4701>
- Karimkhan, A. (2023). “The Awakening of Islamic Movement After the Islamic Revolution in Iran”, *Ampera: A Research Journal on Politics and Islamic Civilization*, Vol. 4, No. 3: 166-173. <https://doi.org/10.19109/ampera.v4i03.22783>

- Kavand, Alireza (2021). “The Impact of Quranic Aesthetics on Human and Civilization Values (Considering the Subject of Urbanization)”, *Quran, Culture And Civilization*, Vol. 2, No. 2: 76-97. <https://doi.org/10.22034/jksl.2021.311878.1046> (In Persian)
- Khalandi, Anvar; Shafei, Keivan; and Ghadernezhad, Mahdi (2019). “An Epistemological Study of Art and Islamic Aesthetics based on the Quran and Sunnah”, *The Qur’an and Science*, Vol. 12, No. 23: 47-66. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20086016.1397.12.23.2.5> (In Persian)
- Khorsand, Ramin; Noqrehkar, Abdulhamid (2018). “Explaining the Concept of Beauty from Islamic Cosmological Point of View to Evaluate the Works of Architecture and Urban Planning”, *Naqshejahan*, Vol. 8, No. 2: 101-110. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1397.8.2.4.8> (In Persian)
- Lynch, K. (1960). *The Image of the City*. Cambridge: MIT Press.
- Marvi, Marzieh; Kheirabadi, Sahand; Ahangar, Ali (2022). “Analysis of graffiti works in Iran during the 1380s and 1390s from the perspective of social semiotics”, *Ferdows Art*, Vol. 3, No. 9: 52-69. <https://doi.org/10.30508/fhja.2023.1988571.1153> (In Persian)
- Miles, M. (1997). *Art, Space and the City: Public Art and Urban Futures*. Abingdon: Routledge.
- Molaei, Asghar (2022). “Definition the Islamic laws and Ethics in the Aesthetics of Islamic Architecture Approaching on Allameh Jafari Thought”, *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, Vol. 12, No. 2: 59-81. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2022.342277.1525> (In Persian)
- Morakabi, Seyed Mohammad Sadegh; Dehqan Nayyeri, Saeid (2023). “Cultural Industries; Supporters and Promoters of the discourse of the Islamic Revolution”, *Journal of Interdisciplinary Studies in Communication and Media*, Vol. 6, No. 21: 83-112. (In Persian)
- Motalebi, Shiva; Ahmadi, Bahram (2019). “Ecological Concerns in the form of Environmental and Urban Art”, *Culture of Yazd*, Vol. 1, No. 3: 48-68. <https://doi.org/10.22034/fyazd.2019.106246> (In Persian)
- Nabatian, Mohammad Esmaeil (2021). “The discourse of the Islamic Revolution and facing the challenge of alternatives”, *Journal of Islamic Awakening Studies*, Vol. 10, No.1: 7-29. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23225645.1400.10.1.1.1> (In Persian)
- Nezhdad, Zhaleh; Saberipour, Maryam (2008). “The Origin of Art in Religion: Islamic Aesthetics as another Path to Knowledge”, *Zibashenakht*, Vol. 9, No. 19: 327–338. (In Persian)
- Pahlevan Noudeh, Mahboubeh; Kafshchian Moghaddam, Asghar (2022). “Urban Art-Public Art in a Semantic Comparison (Emphasizing the Art of the Second Half of the Twentieth Century)”, *Theoretical Principles of Visual Arts*, Vol. 74, No. 1: 113-128. <https://doi.org/10.22051/jtpva.2022.38338.1355> (In Persian)
- Popa, I. A. (2021). “Graffiti: Public art movement”, *Klironomy*, Vol. 3, No. 3: 120-135.
- Qorbani Sheikhneshin, Arsalan (2018). “The Ethical Reactions of Islamic Revolution Discourse: Opportunities and Challenges”, *The Journal of Political Thought in Islam*, Vol. 5, No. 15: 7-30. (In Persian)

- Resalat, Soheila; Sadipour, Esmaeil; Nejatihosseini, Sayyid Mahmud (2023). “Analyzing the discourse of the Islamic Revolution in national media programs with an emphasis on the values of resistance, sacrifice and martyrdom”, *Islam and Social Studies*, Vol. 11, No. 41: 163-197. <https://doi.org/10.22081/jiss.2023.65082.1967> (In Persian)
- Rolston, B. (2020). “When everywhere is Karbala: Murals, martyrdom and propaganda in Iran”, *Memory Studies*, Vol. 13, No. 1: 3–23. <https://doi.org/10.1177/1750698017730870>
- Sadeghi, Hashem; Akbari, Manuchehr (2020). “Representation of Religious Characteristics of the Islamic Revolution Discourse in Top War Novels”, *Pazhūhish-i Żabān va Adabiyyāt-i Farsī*, No. 54: 135-165. (In Persian)
- Saffaran, Elias; Jamshidi Rad, Mohammadsadegh; Shahbazi Fard, Maryam (2016). “Window on the beauty and aesthetics from the perspective of Islamic texts (with emphasis on the Holy Quran and Nahjolbalaq insightful of Islamic culture - Mahdavi for the rule of the righteous)”, *Asre Adineh*, Vol. 9, No. 17: 47-68. (In Persian)
- Shirody, Mortaza; Zahmatkesh, Zahra (2025). “The influence of the discourse of Islamic revolution on national identity in Iran”, *Pazhuheshname-ye Enghelabe Eslami*, Vol. 14, No. 53: 47-66. <https://doi.org/10.22084/rjir.2025.29645.3809> (In Persian)
- Vahdat, F. (2003). “Post-revolutionary Islamic discourses on modernity in Iran: expansion and contraction of human subjectivity”, *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 35, No. 4: 599–631. <https://doi.org/10.1017/S0020743803000254>
- Yerznkyan, Y; Gasparyan, G. (2021). “Graffiti as a form of rhetoric”, *Armenian Folia Anglistika*, Vol. 17, No. 1: 8-22.